

تصمیم‌تار بگیر؛ حتی ضعیف

کاچی به از هیچی!

به جای متکی بودن بر احساسات، روی واقعیت‌ها متمرکز است. تصمیم‌گیری مهارتی است که می‌توانید با تمرین کردن آن را تقویت کنید. برخی به‌طور طبیعی بیشتر از بقیه می‌دانند باید چطور تصمیم بگیرند، اما شما هم می‌توانید این مهارت را در خودتان پرورش بدهید. اگر موقع تصمیم‌گیری بیش‌از حد معطل می‌کنید یا وسواس زیادی به خرج می‌دهید، باید چند قدم به جلو بردارید و طرز فکرتان را تغییر بدهید. راز بزرگی که اینجا وجود دارد آن است که وقتی پیش خودتان فکر می‌کنید نمی‌توانید قاطعانه عمل کنید و تصمیم بگیرید، احتمالاً به خاطر ترس‌هایتان است. هر تصمیمی، هر چقدر هم کوچک باشد، نوعی تغییر محسوب می‌شود و می‌تواند در زندگی خودتان و اطرافیانی که برایتان مهم هستند، تغییر قابل توجهی ایجاد کند.

این ترس از تغییر مخرب است و جلوی شما را می‌گیرد و موقعی که باید برای سرنوشتتان تصمیم بگیرید، شما را فلج می‌کند. حالا این سؤال پیش می‌آید که چطور می‌توانید جلوی این حس را بگیرید و این الگوی منفی را بشکنید؟ جواب این است که به‌جای ترسیدن باید آغوشتان را برای تغییرات باز کنید. این را بپذیرید که زندگی همیشه در حال تغییر است و با تصمیم‌گیری، حتی وقتی نسبت به آن اطمینان ندارید، اداره‌ی زندگی‌تان را در دست می‌گیرید.

بیش از حد همه‌چیز را تجزیه و تحلیل نکنید. هیچ‌کس در هیچ‌کجای جهان نمی‌تواند نسبت به همه‌چیز کاملاً مطمئن باشد. افرادی که یاد گرفته‌اند چطور قاطع باشند، به همان اندازه شما مطمئن یا نامطمئن هستند. آن‌ها فقط ترجیح می‌دهند انتخاب کنند. اما شاید بگویید ممکن است تصمیمی که می‌گیرند اشتباه باشد. در این صورت چه؟ در واقع آن‌ها می‌دانند که می‌توانند از اشتباهاتشان درس بگیرند و معمولاً هم به‌سرعت این درس را فرا می‌گیرند. برای همین یک تصمیم ضعیف به تصمیم‌گیری‌های قوی و منطقی در آینده منجر می‌شود. اگر هیچ تصمیمی نگیرید، ممکن است اتفاق بدی نیفتد یا چیزی بدتر نشود، اما با یک‌جان‌سختن و دست روی دست گذاشتن هم اوضاع تغییر نمی‌کند. با گذشت زمان، موفق‌نبودن در انتخاب، خودبه‌خود به یکی از انتخاب‌هایتان تبدیل می‌شود و می‌توانید آن را کنار بگذارید. مهارت مدیریت و رهبری واقعی از توانایی تصمیم‌گیری حاصل می‌شود؛ حتی اگر از درستی آن تصمیم مطمئن نباشید. اگر می‌خواهید در زندگی شخصی یا در محل کارتان رهبری یک گروه را به عهده بگیرید، باید آمادگی سرنوشت‌سازبودن را داشته باشید؛ حتی اگر ندانید راه درست چیست. پس بیش از حد فکر نکنید و شروع به تمرین قاطعیت کنید.

اگر بدون چتر زیر باران شدید ایستاده باشید، چیزی جز خیس شدن و سرماخوردگی نصیبتان نشده است. برای بهره‌مندشدن از این باران باید در مسیر باران ظرفی گذاشت و به اندازه‌ی موردنیاز آب باران را جمع کرد. بارش فکری ایستادن زیر بارانی از افکار و نظرات گوناگون است و اگر برای مقابله با این باران ابزار مناسبی نداشته باشید، این باران به سیل تبدیل خواهد شد و همه‌چیز را خراب خواهد کرد. افکار و نظرات و راه‌حل‌ها، اگر در مسیر درستی قرار نگیرند، باعث آشفتگی و سردرگمی خواهند شد. آنچه به راه‌حل‌ها جهت می‌دهد و باعث به‌ثمر رسیدن بارش فکری می‌شود، مهارت تصمیم‌گیری است.

مهارت تصمیم‌گیری مهارتی ذهنی یا شناختی است. شخصی که این مهارت را دارد، می‌تواند یک اقدام را از بین چند اقدام پیش‌رو انتخاب کند و مسئله یا مشکلی را حل و فصل کند. این مهارت یکی از مهارت‌های ویژه‌ی مدیریتی است و به‌عنوان یکی از عناصر اصلی هوش مدیریتی شناخته می‌شود. به این معنا که هر چه مهارت تصمیم‌گیری در وجود شما بیشتر باشد، هوش مدیریتی بالاتری دارید. این مهارت هم در زندگی و هم در عرصه‌ی کسب‌وکار اهمیت زیادی دارد. هر مدیری برای سازمان خودش تصمیم‌های زیادی می‌گیرد. حال اگر مهارت موردبحث در مدیر وجود داشته باشد، سازمان در مسیر موفقیت، رشد و توسعه حرکت می‌کند، ولی اگر مدیر نتواند تصمیم‌های درستی بگیرد، کسب‌وکار دچار زوال و فروپاشی می‌شود.

برای تصمیم‌گیری مناسب مهارت‌هایی مثل قدرت استدلال، پردازش اطلاعات، استفاده از سؤال پرسیدن، تجزیه و تحلیل نتایج احتمالی و موارد دیگری موردنیازند.

تصمیم‌ها را همیشه فقط یک نفر نمی‌گیرد. شما باید با استفاده از مهارت‌سازش و همکاری، بهترین تصمیمات را بگیرید. حتی وقتی خودتان به تنهایی تصمیم می‌گیرید، باز هم کمک‌گرفتن از دوستان و همکاران می‌تواند کمک کند به تصمیم بهتری برسید. همکاری، هم در زمانی که قرار است تصمیم شخصی بگیرید و هم موقع گرفتن تصمیمات گروهی، بسیار به شما کمک می‌کند.

«هوش هیجانی» یا ای‌کی‌و در واقع توانایی مشاهده و درک احساسات خود و اطرافیانتان است. وقتی احساسات دیگران را در نظر می‌گیرید، به تصمیم‌گیرنده‌های قوی تبدیل می‌شوید. این مورد به تصمیم‌گیری شهودی مربوط است. هوش هیجانی در واقع توانایی شما برای دیدن واقعیت‌ها، احساسات و آمار و ارقام گوناگون به شکلی متعادل است و به شما کمک می‌کند تصمیم خوبی بگیرید.

استدلال منطقی جزو مهارت‌های کلیدی در مراحل میانی فرایند تصمیم‌گیری است. استدلال منطقی توانایی ارزیابی و تجزیه و تحلیل کامل اطلاعات، گزینه‌ها و تصمیمات است که تصمیم شما را قوی‌تر می‌کند. این مهارت بیشتر با استدلال مرتبط است؛ یعنی فرد تصمیم‌گیرنده،

نتایج تصمیمتان را تجسم کنید. از ویژگی تجسم کردن غالباً برای تعیین و دستیابی به اهداف استفاده می‌شود. در مسیر افزایش قاطعیت هم می‌توانید از این مفهوم استفاده کنید. تمام گزینه‌هایی را که برای حل مسئله پیش رو دارید در نظر بگیرید و تجسم کنید هر کدام از آن‌ها چه نتیجه‌ای به شما می‌دهند. پیش خودتان تصور کنید بعد از انتخاب هر کدامشان چه اتفاقی می‌افتد؟

فقط به نتایج منفی فکر نکنید، بلکه نتایج مثبت و خنثا را هم در نظر بگیرید. برای هر گزینه یک فهرست از مزایا و معایب راه‌حل در ذهنتان بسازید. این راهبرد نه تنها در تصمیم‌گیری نهایی به شما کمک می‌کند، بلکه در واقع ذهنتان را برای تصمیم‌گیری سریع‌تر در آینده شرطی می‌کند.

سعی نکنید کامل و بی‌عیب و نقص باشید، همه ما این جمله کاجی به از هیچ چیز را شنیده‌ایم. این اصطلاح به خصوص درباره تصمیم‌گیری به‌خوبی صدق می‌کند. افراد موفق در هر زمینه باید روی نحوه تصمیم‌گیری هر روزشان تسلط داشته باشند. آن‌ها هم درست همان موانع مشابه شما را دارند، با این تفاوت که یاد گرفته‌اند قرار نیست کامل و بی‌عیب و نقص باشند. گاهی اوقات همین‌که به اندازه کافی خوب باشید، خودش یک‌جور کمال به حساب می‌آید. کامل بودن فقط باعث می‌شود موقع انتخاب کردن ترس بیشتری داشته باشید.

به‌جای تمرکز روی کمال، از خودتان بپرسید این تصمیم، با نگاه کمال‌گرایانه‌ای

که نسبت به خودتان دارید، چه ارتباطی دارد؟ کدام گزینه شما را به آن هدف نزدیک‌تر می‌کند؟ اگر همه چیز طبق برنامه پیش نرود، آیا می‌توانید عواقب آن را بپذیرید؟ اگر به تصمیماتی که می‌گیرید، به چشم عوامل مرگ و زندگی نگاه نکنید و آن‌ها را سنگ محک و عامل اضافه شدن تجربه‌های زندگی‌تان تصور کنید، علاقه‌تان به کامل و بی‌نقص بودن هم کمتر می‌شود. حالا که با ترس‌هایتان آشنا شدید و یاد گرفتید چطور باید بر آن‌ها غلبه کرد، وقتش رسیده است با تعیین یک هدف جسورانه رو به جلو حرکت کنید. به چیزی فکر کنید که همیشه می‌خواستید برای خودتان به دست بیاورید. احتمال اینکه ترس‌هایتان شما را عقب نگاه داشته باشند، وجود دارد؛ پس با قاطعیت تصمیم بگیرید که برای رسیدن به هدفتان جسورانه به جلو حرکت کنید.

فرض کنید می‌خواهید فروشتان را بیشتر کنید، اما در برابر تعیین این مسئله به‌عنوان هدف مقاومت می‌کنید، چون فروش بیشتر غیرممکن به نظرتان می‌رسد. وقتی ترس‌تان را رها کنید، آزادانه‌تر فکر می‌کنید و متوجه می‌شوید برای رسیدن به چنین هدفی فقط به ابزار مناسب احتیاج دارید و هیچ چیزی غیرممکن نیست. برای فروش بیشتر، شاید لازم باشد یک بازاریاب استخدام کنید یا راهبردهای فعلی‌تان را مجدداً بررسی کنید. یادتان باشد، وقتی راهکار جدیدی اتخاذ می‌کنید، به آن پایدار و متعهد بمانید و تا رسیدن به هدف دست از تلاش برندارید. تصمیم‌گیری مهارتی است قابل تقویت و با کسب ویژگی‌های گفته‌شده و تمرین و تکرار، این مهارت در شما تقویت خواهد شد. با کمک این مهارت تلاش‌هایی که در مراحل قبلی حل مسئله انجام داده‌اید، به نتیجه خواهند رسید.

